

ناصر حضی‌نیا*

چکیده

با توجه به جایگاه بالای اتحادیه اروپا در عرصه اقتصاد بین‌الملل، عضویت ترکیه در اتحادیه گمرکی اروپا چه تاثیری بر ساختار اقتصادی این کشور داشته است؟ ترکیه به‌عنوان تنها دموکراسی سکولار در جهان اسلام، با تأسیس جمهوری در سال ۱۹۲۳ همواره تلاش کرده تا خود را به‌عنوان بخشی از جهان غرب معرفی نماید. در این راستا، در سال ۱۹۶۳ با امضای موافقت‌نامه آنکارا روابط اقتصادی نزدیکی با جامعه اقتصادی اروپا شروع کرد و در سال ۱۹۹۵ با عضویت در اتحادیه گمرکی اروپا، سطح این روابط بیش از پیش تعمیق یافت. پیمان اتحاد گمرکی اروپا به‌عنوان سمبل روند هم‌گرایی ترکیه و اتحادیه اروپا، مهم‌ترین پیمان هم‌گرایی اقتصادی در تاریخ ترکیه است که تاکنون آثار مثبت قابل‌توجهی بر بسیاری از بخش‌های اقتصاد این کشور داشته است. این پیمان در کنار سیاست‌های اقتصادی دولت تورگوت اوزال در دهه ۱۹۸۰، باعث تسریع رشد اقتصادی ترکیه شده است.

کلیدواژه‌ها: اتحادیه اروپا، ترکیه، اتحادیه گمرکی اروپا، تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۴۴ - ۱۲۳.

با تاسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳، این کشور همواره تلاش کرده تا هویت خود را بر مبنای ارزش‌های غربی تعریف کند. حضور فعال در سازمان ملل، عضویت در ناتو، شورای اروپا، سازمان همکاری اقتصادی اروپا^(۱) و اتحادیه اروپای غربی حاکی از تمایل بالای ترک‌ها برای حضور در دنیای غرب می‌باشد. در این راستا درخواست ترکیه مبنی بر عضویت کامل در جامعه اقتصادی اروپا^(۲) در سال ۱۹۵۹، می‌تواند به‌عنوان آغاز مرحله مهمی در فرآیند هم‌گرایی آنکارا با بروکسل مورد توجه قرار گیرد که حاصل آن موافقت‌نامه آنکارا بود. این موافقت‌نامه به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوقی در روابط اقتصادی ترکیه و جامعه اقتصادی اروپا که در ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۳ به‌امضا رسید، درصدد بود تا اصلاحات لازم در ساختارهای اقتصاد ترکیه را در جهت تسهیل ورود آن به جامعه اقتصادی اروپا طی سه مرحله مقدماتی، انتقالی و نهایی انجام دهد. تاسیس اتحادیه گمرکی در سال ۱۹۹۵، از یک سو مرحله نهایی موافقت‌نامه آنکارا و از سوی دیگر معلول سیاست‌های اقتصادی جدید در دهه ۱۹۸۰ محسوب می‌شود که براساس برنامه‌های مشترک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول،^(۳) اصلاحات اقتصادی ترکیه را دنبال می‌کرد. بنابراین، اتحادیه گمرکی اروپا به‌عنوان نماد همکاری‌های اقتصادی ترکیه و اتحادیه اروپا، این کشور را در تحقق معیارهای سیاسی و اقتصادی کپنهاگ^(۴) مبنی بر تضمین حکومت دموکراسی و اقتصاد بازار در راستای عضویت دایم در اتحادیه اروپا یاری می‌کند. ما در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که اصلاحات اقتصادی مورد نظر اتحادیه اروپا در راستای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، چه آثاری بر اقتصاد این کشور داشته است؟ به عبارت دیگر ورود ترکیه به اتحادیه گمرکی اروپا چه تأثیری بر ساختار اقتصادی این کشور داشته است؟ به نظر می‌رسد که عامل اصلی رشد اقتصاد ترکیه، سیاست اصلاحات اقتصادی دولت در دهه ۱۹۸۰ بوده و در این میان

1. Organization for European Economic Cooperation (OEEC)

2. European Economic Community (EEC)

3. International Monetary Fund (IMF)

4. Copenhagen Political and Economic Criteria

اتحادیه گمرکی به عنوان یک عامل تسریع کننده عمل کرده است. تاسیس اتحادیه گمرکی با اتحادیه اروپا که حاصل بیش از سه دهه تلاش و تداوم برنامه اصلاحات اقتصادی اتحادیه اروپا در این کشور بوده، با افزایش میزان جذب سرمایه گذاری خارجی و حجم تجارت خارجی ترکیه در کنار رشد و ارتقای کیفی تولیدات صنعتی، باعث رشد و ثبات اقتصادی بیشتر در این کشور شده است.

۱. چگونگی تکوین و سیر تحول نظام اقتصادی ترکیه

ترکیه از ابتدای تاسیس به دلیل فضای سیاسی حاکم بر روابط بین الملل در دوره پس از جنگ جهانی اول، به ویژه تبعات ناشی از فروپاشی امپراتوری عثمانی، همواره درگیر مسایل سیاسی- اقتصادی متعددی بود. بر این اساس دولتمردان آنکارا درصدد برآمدند تا با تدوین برنامه های اقتصادی مناسب، مشکلات اقتصادی کشور را کاهش دهند. در این راستا هرچند این کشور نخستین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی خود را در سال ۱۹۳۴ تدوین کرد، اما در سال ۱۹۶۲ با تاسیس «سازمان برنامه دولتی»، برنامه های جامع پنج ساله توسعه اقتصادی خود را با هدف افزایش رشد اقتصادی تنظیم و به مرحله اجرا گذاشت که در برنامه اول رشد اقتصادی ۶/۵ درصدی حاصل آن بود. ترکیه از دوران مصطفی کمال که در پی غربی سازی این کشور بود، همواره سیاست صنعتی سازی را در چارچوب یک اقتصاد بسته دنبال می نمود که این سیاست از آغاز تا به امروز طی سه موج در دهه های ۱۹۳۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ ظهور یافت. در جریان موج اول صنعتی سازی در دهه ۱۹۳۰، ساختار اقتصاد ترکیه مبتنی بر اقتصاد دولتی بود که در آن به لحاظ پیوند نزدیک قدرت سیاسی و اقتصادی، دولت، خود سرمایه گذار و تولیدکننده محسوب می شد.^۱ البته طی موج های دوم و به خصوص سوم صنعتی سازی به تدریج نفوذ دولت در عرصه اقتصادی کاهش یافت.

به هر حال قبل از دهه ۱۹۸۰ ساختار اقتصاد ترکیه از هم گسیخته و نامتعادل بود و رشد اقتصادی در حد بسیار پایینی قرار داشت و با اینکه در دهه ۱۹۷۰ این کشور با حمایت صندوق بین المللی پول تاحدی اوضاع نابسامان اقتصادی خود را بهبود بخشید، اما شوک نفتی در

سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ با افزایش بهای کالاهای وارداتی، کاهش واردات و تولیدات صنعتی و بحران موازنه به رشد سریع نرخ تورم منجر گردید.^۲ به عبارت دیگر تشکیل دولت‌های ائتلافی، رشد شهرنشینی، شوک‌های نفتی، کاهش سریع ارزش لیر ترک و بدهی‌های ملی که به تورم و بحران‌های سیاسی - اجتماعی دامن می‌زد، از جمله مشکلات عدیده اقتصادی جامعه ترکیه قبل از سال ۱۹۸۰ بودند، اما با آغاز دهه ۱۹۸۰ و روی کار آمدن سیاستمدارانی چون تورگوت اوزال، ساختار اقتصاد این کشور با تحول اساسی و تقریباً روبه رشدی مواجه شد که در این میان تصمیمات ۲۴ ژانویه در سال ۱۹۸۰ نقطه عطفی در اقتصاد ترکیه به شمار می‌رود. به موجب این تصمیمات با جایگزینی «راهبرد جایگزینی واردات» به جای توسعه واردات، اقتصاد این کشور به اقتصاد بازار پیوند خورد. در راهبرد جدید به منظور حل مساله بدهی خارجی بر افزایش صادرات و آزادسازی تجارت خارجی و اقتصاد داخلی تاکید گردید، به طوری که در طول دهه ۱۹۸۰، صادرات به موتور اقتصاد ترکیه تبدیل شد. بی تردید اصلاحات اقتصادی ترکیه در دهه ۱۹۸۰ با هدف گذر از ساختار اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار همسو با موج جهانی اصلاحات اقتصادی نئولیبرال بود.^۳ بنابراین اوزال با اصلاح ساختارهای اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، زمینه را برای رشد صادرات کشور مهیا ساخت. در فاصله سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۸۰، مهم‌ترین منبع رشد اقتصادی ترکیه از توسعه صادرات بود که سالیانه به طور متوسط ۱۴/۴۰ درصد افزایش می‌یافت، به طوری که مجموع صادرات آن از ۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ و ۲۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ افزایش یافت. از سوی دیگر، با در نظر گرفتن اهمیت ژئواستراتژیک ترکیه در دوران جنگ سرد برای جهان سرمایه‌داری، تلاش‌های این کشور در اصلاح پایه‌ای و تحکیم ساختار اقتصادی جدید، با استقبال و حمایت نهادهای مالی بین‌المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همراه شد.^۴ عملکرد سیاست‌های اقتصادی اوزال مبنی بر توسعه بخش خصوصی و کاهش نقش دولت در عرصه اقتصاد، با ایجاد جو مناسب برای فعالیت احزاب سیاسی، تغییرات عمده‌ای در چهره سیاسی و اقتصادی ترکیه به وجود آورده و باعث گردید تا کشورهای جامعه اروپا همکاری خود را با ترکیه گسترش دهند، به طوری که در سپتامبر ۱۹۸۶، ارگان‌های مربوط به ایجاد رابطه مشترک جامعه اروپا بار دیگر با ترکیه تشکیل

جلسه داده و مسایلی چون حرکت آزاد، روابط مالی، توافقات مربوط به هماهنگ‌سازی و اتحاد گمرکی در دستور کار طرفین قرار گرفت.^۵ از مهم‌ترین اصلاحات اقتصادی که طی دهه ۱۹۸۰ در ترکیه صورت گرفت، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- کاهش میزان یارانه‌ها و نقش دولت در عرصه اقتصاد کشور؛
- آزادسازی تجارت خارجی از طریق کاهش نرخ تعرفه، لغو محدودیت‌های کمی و کاهش کنترل دولت بر صادرات و آزادسازی واردات برای تقویت صنایع داخلی جهت رقابت در عرصه خارجی؛
- برنامه‌ریزی جهت تشویق صادرات و ایجاد انگیزه لازم برای توسعه صادرات در این دهه مهم‌ترین هدف سیاست صادراتی ترکیه، کاهش نرخ تورم، افزایش رشد تولید و آزادسازی حساب سرمایه بود.^۶
- اما تحول عمده در عرصه اقتصاد ترکیه تحت تاثیر هم‌گرایی اقتصادی این کشور با اتحادیه اروپا در چارچوب «اتحادیه گمرکی اروپا» از سال ۱۹۹۵ به بعد شکل گرفت. با ورود ترکیه به اتحادیه گمرکی، خصوصی‌سازی و در پی آن جذب سرمایه‌گذاری خارجی،^(۱) افزایش میزان تجارت خارجی و رشد صنعت اصلاحات اقتصادی این کشور را متحول و باعث تسریع روند هم‌گرایی آن با اقتصاد جهانی گردید. با توجه به ساختار اقتصادی^(۲) ترکیه در دوران پیش از تاسیس اتحادیه گمرکی با اروپا می‌توان دریافت که:
- به‌رغم نرخ رشد متوسط در بخش صادرات، سرمایه‌گذاری عمده‌ای در این حوزه صورت نگرفته بود. در این میان یکی از آثار راهبردی توسعه صادرات، افزایش صادرات از ۲/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۲۱/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ بود، ضمن اینکه سهم صادرات در تولید ناخالص ملی از ۴/۳ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۲۳/۹ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت.
- به‌رغم رشد صنعتی متوسط در بین سال‌های ۱۹۹۵ - ۱۹۸۰، عمده نیروی کار در بخش کشاورزی فعال بودند تا در بخش صنعتی، به‌طوری که در سال ۱۹۹۵، ۴۷ درصد کل نیروی کار در بخش کشاورزی و ۲۰/۹ درصد در بخش صنعت استخدام شده بودند.

1. Foreign Direct Investment(FDI)

2. Economic Structure

بنابراین، می‌توان گفت که توسعه و رشد اقتصادی این کشور در سال‌های اخیر تاحد زیادی معلول سیاست‌های جدید دولت در قالب همسان‌سازی این کشور با استانداردها و اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا بوده و گزارش‌های وتو نیز اظهار می‌دارد که ترکیه جزو ۲۰ کشور دارای پویایی تجارت جهانی است.^۷ بعد از دو دهه اصلاحات اقتصادی نئولیبرال، تجربه اصلاحات ترکیه در تغییر ساختار اقتصاد این کشور، هرچند با اصلاحات اقتصادی کشورهای شرق آسیا همچون کره جنوبی، مالزی و تایوان قابل مقایسه نبود، اما از آنجا که ترکیه را به‌عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی خاورمیانه مطرح ساخته، در نوع خود موفقیت‌آمیز به‌نظر می‌رسد.^۸ از سوی دیگر، ترکیه در حالی در سال ۱۹۹۹ به جمع بیست کشور اقتصاد پویا، موسوم به G20 پیوست که در پی بحران مالی شدید در سال ۲۰۰۱، رشد اقتصادی این کشور به پایین‌ترین حد خود بعد از جنگ جهانی دوم، یعنی ۷/۵- درصد رسیده بود. طی این بحران که متأثر از مدیریت ضعیف مالی و نظام شکننده بانکداری ترکیه بود، بیش از یک میلیون نفر بر خیل بیکاران این کشور افزوده شد. اما با آغاز سال ۲۰۰۰، ترکیه از مجموع وام ۲۰/۴ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول به‌عنوان ابزاری در راستای اعمال سیاست‌های اقتصادی جدید بهره گرفت که حاصل آن در ۱۴ آوریل ۲۰۰۱ تحت عنوان برنامه ملی یا برنامه اقتصاد قوی مطرح گردید.^۹ به‌عبارت دیگر ترکیه از سال ۲۰۰۱ به‌دنبال بحران اقتصادی، برنامه اصلاحات جدیدی را تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول آغاز کرد که توسط کمال درویش، وزیر اقتصاد و دارایی این کشور در دولت اجویت هدایت می‌شد و با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه^{۱۰} هم ادامه پیدا کرد. در سال‌های آغازین سده بیست و یکم، کسب موفقیت‌های چشمگیر اقتصادی در ترکیه پیوند نزدیکی با پیروزی حزب عدالت و توسعه و گذر از بی‌ثباتی‌های سیاسی داشت که همواره تهدیدی اساسی بر اقتصاد ترکیه به‌شمار می‌رفت.^{۱۱} در جامعه ترکیه، دولت اردوغان از سال ۲۰۰۲ تا به امروز با پیگیری اصلاحات اقتصادی کشور در راستای ادغام در اقتصاد بین‌الملل، نقش مهمی ایفا کرده و بدون تردید عرضه لیر جدید از اول ژانویه سال ۲۰۰۵ با ارزش بسیار بالا نسبت به لیر قدیم، تنها

1. Justice and Development Party

یکی از افتخارات حزب عدالت و توسعه در عرصه اقتصادی ترکیه محسوب می‌شود. دولت حاکم به‌منظور تداوم اصلاحات اقتصادی کشور، اصول خاصی را در پیش گرفت که شامل برنامه خصوصی‌سازی، ارتقای سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، انضباط مالی، سیاست‌های پولی سخت و صیانت از ثبات سیاسی و اقتصادی بود.^{۱۱} در حال حاضر اقتصاد ترکیه به‌طور گسترده توسط بخش خدماتی و صنعتی مدرن تحکیم یافته و دولت نقش اندکی در بخش‌های صنعتی، بانکداری، حمل و نقل و مخابرات به عهده دارد.

۲. مفهوم اتحادیه گمرکی در چارچوب روابط اقتصادی ترکیه و اتحادیه اروپا

۲-۱. زمینه‌های شکل‌گیری و سیر تحول موافقت‌نامه آنکارا

با امضای پیمان لوزان و تاسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳، نخبگان این کشور مدل اروپای غربی را به‌عنوان الگویی ایده‌آل برای ساختارهای سیاسی و اقتصادی خود برگزیده و تلاش کردند تا با عضویت و گسترش همکاری‌های سیاسی - امنیتی خود با سازمان‌های اروپایی، جایگاه و اهمیت والای خود را به منصفه ظهور برسانند. در این راستا در سال ۱۹۵۷ با تاسیس جامعه اقتصادی اروپا بر مبنای پیمان رم، سران ترکیه درصدد برآمدند تا هم‌گرایی سیاسی - نظامی خود را به حوزه اقتصادی نیز تسری دهند. بر این اساس در جولای ۱۹۵۹، یعنی سه سال بعد از تاسیس بازار مشترک، ترکیه به همراه یونان برای الحاق به جامعه اقتصادی اروپا اعلام آمادگی کرد و جامعه در پاسخ به درخواست ترکیه مبنی بر عضویت دایم، خواستار مشارکت بیشتر طرفین در جهت آماده‌سازی آن برای الحاق به بازار مشترک شد. با ادامه مذاکرات، موافقت‌نامه آنکارا در ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۳ بین ترکیه و جامعه اقتصادی اروپا به امضا رسید. هدف این موافقت‌نامه که از اول دسامبر ۱۹۶۴ به مرحله اجرا در آمد، تامین عضویت کامل ترکیه در جامعه اقتصادی اروپا با تاسیس اتحادیه گمرکی بود که به‌عنوان ابزاری در راستای تحقق هم‌گرایی طرفین در نظر گرفته می‌شد. با امضای موافقت‌نامه آنکارا بین جامعه اروپا و ترکیه، این کشور به‌عنوان «عضو شریک» توسط جامعه مذکور پذیرفته شد که در صورت طی مراحل لازم می‌توانست به عضویت جامعه نائل آید. در آن برهه زمانی ترک‌ها این توافق را تجلی اراده خود

جهت مشارکت در جامعه اروپا و نیز اراده کشورهای عضو مبنی بر پذیرش در میان خود تلقی می‌نمودند. بنابراین آغاز روابط نزدیک اقتصادی ترکیه با اروپا به پیمان آنکارا برمی‌گردد. این پیمان که نقطه عطفی در روابط ترکیه با بازار مشترک محسوب می‌شود، برای رسیدن به هدف مذکور سه مرحله را در نظر گرفت که ترکیه در صورت کسب موفقیت لازم می‌توانست به عضویت کامل جامعه اقتصادی اروپا نائل گردد؛ این سه مرحله عبارت بودند از:

۱. مرحله مقدماتی (۱۹۶۴-۱۹۷۲)؛

۲. مرحله انتقالی (۱۹۷۳-۱۹۹۵)؛ و

۳. مرحله نهایی (۱۹۹۶- اتحاد کامل گمرکی).

بر این اساس در ۱۳ نوامبر سال ۱۹۷۰ پروتکل الحاقی موافقت‌نامه آنکارا با هدف حذف تدریجی تعرفه‌ها و سایر موانع تجارت آزاد ما بین طرفین به امضا رسید. در این پروتکل به جزییات تنظیم و چگونگی ایجاد اتحادیه گمرکی اشاره شده بود. طبق این پروتکل بایستی از یک‌سو جامعه اقتصادی اروپا تمامی موانع و تعرفه واردات از ترکیه را حذف می‌کرد و از سوی دیگر، این کشور تمامی موانع و تعرفه را در خصوص واردات کالا از کشورهای عضو جامعه اروپا در یک جدول زمانی ۲۲ و ۱۲ ساله لغو می‌نمود. از جمله تعهداتی که جامعه اروپا بر اساس توافق‌نامه آنکارا در قبال ترکیه عهده‌دار بود، می‌توان به پرداخت «تسهیلات مالی» جهت حمایت از برخی صنایع ترکیه، تسریع رشد اقتصادی آن و بهبود وضعیت اقتصادی و سطح زندگی در این کشور اشاره کرد که در این راستا جامعه اروپا در طی سه دوره پروتکل مالی از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۱ وام‌هایی را با امتیاز ویژه در مجموع به مبلغ ۶۸۰ میلیون یورو به ترکیه پرداخت کرد. بنابراین تداوم همکاری‌های اقتصادی ترکیه با اتحادیه اروپا، در سال ۱۹۹۵ به امضای پیمان اتحادیه گمرکی منجر شد و روند هم‌گرایی آن را با اروپا تکمیل نمود. با الحاق ترکیه به اتحادیه گمرکی اروپا، رشد واردات و صادرات آن از کشورهای عضو اتحادیه شتاب بیشتری به خود گرفت و

در نتیجه اقتصاد این کشور به روی بازارهای بین‌المللی بازتر شد.^{۱۲}

۲-۲. تعریف و بررسی ساختار اتحادیه گمرکی اروپا

اتحادیه گمرکی اروپا^(۱) مرحله مهمی در روند تعمیق هم‌گرایی اقتصادی ترکیه با اتحادیه اروپا محسوب می‌شود که در کنار عضویت آنکارا در سازمان تجارت جهانی، اقتصاد آن را در رسیدن به استانداردهای اقتصاد بین‌الملل یاری می‌دهد. اتحادیه گمرکی اروپا، مجموعه‌ای متشکل از اعضای اتحادیه اروپا و ترکیه است که در آن بر عکس منطقه تجاری آزاد^(۲) هیچ مالیات گمرکی بر کالاهایی که در محدوده فضای سرزمینی اتحادیه اروپا جابه‌جا می‌شود، وضع نمی‌گردد. اتحادیه گمرکی شیوه مهمی در دستیابی به هم‌گرایی اقتصادی منطقه‌ای است و حذف کامل تعرفه‌های گمرکی در بین کشورهای عضو، مهم‌ترین شاخص آن محسوب می‌گردد. در این اتحادیه سیاست‌های تجاری و تعرفه خارجی مشترک^(۳) در تجارت با کشورهای ثالث اعمال می‌شود.^{۱۳} پیمان اتحادیه گمرکی ترکیه با اروپا با این رویکرد که در کوتاه‌مدت به دنبال بهبود روابط تجاری و همگونی ساختارهای اقتصادی طرفین و در بلندمدت در پی ایجاد زمینه‌های مناسب در جهت عضویت دایم ترکیه در اتحادیه اروپا بوده، در نوع خود خاص به نظر می‌رسد. این پیمان در سه فصل تنظیم شده که شامل موارد زیر می‌باشد:

الف. جنبه تکنیکی در خصوص حرکت آزاد کالا: با عضویت ترکیه در اتحادیه گمرکی اروپا، این کشور تمامی عوارض گمرکی بر کالاهای وارداتی از اتحادیه اروپا را لغو کرده و به‌منظور هماهنگی بیشتر با تعرفه خارجی مشترک اتحادیه اروپا، برای واردات کالا از کشور ثالث، تعرفه لحاظ نمود. البته اتحادیه اروپا پیشتر نرخ تعرفه جزئی را در خصوص کالاهای وارداتی از ترکیه از سال ۱۹۷۱ اعمال کرده و ترکیه نیز از اول ژانویه ۱۹۹۶ ضمن حذف تعرفه کالاهای وارداتی از کشورهای اتحادیه اروپا، تعرفه خارجی مشترک اروپا را در خصوص کشورهای ثالث پذیرفت. ترکیه با ورود به اتحادیه گمرکی اروپا میزان حمایت دولتی را در عرصه اقتصاد از ۱۰/۲۵ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۱/۳۴ درصد در سال ۲۰۰۱ کاهش داد.^{۱۴}

1. EU Customs Union (CU)

2. Free Trade Zone

3. Common External Tariff

ب. **تشدید همکاری بین ترکیه و اتحادیه اروپا:** این همکاری‌ها شامل طیف وسیعی از همکاری در بخش‌های صنعتی، کشاورزی، انرژی، مخابرات، علمی، محیط زیست و امور فرهنگی می‌باشد.

ج. **همکاری مالی:** سومین عنصر اتحادیه گمرکی اروپا شامل همکاری‌های مالی است. مهم‌ترین هدف اتحادیه اروپا از همکاری مالی با ترکیه، حمایت نسبی از تولیدکنندگان ترک در عرصه رقابت تجاری با صنایع قدرتمند اروپایی است که البته قابلیت رقابتی صنایع ترکیه و ایستادگی آن در برابر تولیدات اروپا، حاکی از نتیجه‌بخش بودن طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی چندین دهه در این کشور می‌باشد. عموم تئوری‌های اقتصادی بر این باورند که هم‌گرایی اقتصادی در چارچوب اتحادیه گمرکی می‌تواند مزایای فراوانی برای بازارهای عضو داشته باشد. بر این اساس، می‌توان گفت که اتحادیه گمرکی اروپا امتیازات بسیاری برای دو طرف به همراه داشته است. مهم‌ترین اهدافی که اتحادیه اروپا از تاسیس اتحادیه گمرکی با ترکیه دنبال می‌کند، شامل موارد زیر می‌باشد:

- با توجه به مازاد تجاری بالای اتحادیه اروپا با ترکیه، اتحادیه گمرکی می‌تواند بازار این کشور را برای ورود تولیدات اروپایی، بیشتر باز کند؛
- شرکت‌های بزرگ اتحادیه اروپا می‌توانند از ترکیه به‌عنوان عاملی برای صادرات خود به مناطق خاورمیانه، دریای سیاه و آسیای مرکزی بهره گیرند؛
- اتحادیه گمرکی می‌تواند با افزایش جذبه مدل ترکیه در یک منطقه‌ای با چالش‌های اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی، به کشورهای دیگر منطقه در کناره‌گیری از اصول افراطی و رادیکالیسم موجود یاری رساند.
- از سوی دیگر ورود ترکیه به اتحادیه گمرکی اروپا با آثار سیاسی-اقتصادی خاصی نسبت به این کشور همراه بوده که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- اتحادیه گمرکی روند هم‌گرایی ترکیه با اقتصاد جهانی را تکمیل نموده و با افزایش میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، موجب رشد بیشتر تولیدات جدید صنعتی در این کشور شد؛
- افزایش رقابت در کنار کارآیی بیشتر شرکت‌های ترک، به مصرف‌کنندگان داخلی آن این

شانس را داد که به تولیداتی با کیفیت بالا دست یابند که تا حد امکان ارزان تر تمام می شود؛

- اتحادیه گمرکی با افزایش اشتغال زمینه های کاهش تنش در جامعه ترکیه را فراهم آورد؛

- افزایش وابستگی متقابل اقتصادی با اتحادیه اروپا، ضمن تقویت و استحکام جامعه مدنی به توسعه دموکراسی سالم در این کشور کمک نمود.

به هر حال به دنبال الحاق ترکیه به اتحادیه گمرکی اروپا، این کشور خود را با نظام واردات جدیدی وفق داد که بر اساس آن حقوق گمرکی از نظر میزان نرخ در این کشور به دو ستون تبدیل شد. یک ستون به نرخ های ترجیحی مربوط می شد که دولت ترکیه برای کشورهای اتحادیه اروپا و کشورهای عضو تجارت آزاد اروپا^(۱) در نظر گرفته بود و ستون دیگر به تعرفه واردات از سایر کشورها مربوط می شد. در مفاد پیمان اتحاد گمرکی، میزان تعرفه خارجی مشترک برای واردات کالاهای صنعتی از کشورهای ثالث ۱۶ درصد در نظر گرفته شده بود که در سال ۲۰۰۲ به ۴/۵ درصد کاهش یافت. این تعرفه از اول ژانویه ۱۹۹۶ اعمال شد. با این حال، اتحادیه گمرکی اروپا مشمول خدمات و محصولات کشاورزی نمی گردد و این خود مهم ترین نقص این پیمان بزرگ اقتصادی محسوب می شود.^{۱۵} ترکیه با ورود به اتحادیه گمرکی اروپا ضمن جذب سرمایه و فناوری مدرن و کسب رشد اقتصادی بالا، زمینه بازیگری بیشتری در عرصه تجارت بین الملل به دست آورد.

۳. تسریع روند خصوصی سازی و جذب سرمایه گذاری خارجی

خصوصی سازی^(۳) به عنوان شاخص اصلی اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد^(۳) از سال ۱۹۸۴ در دستور کار اقتصاددانان ترک قرار گرفت. خصوصی سازی در این کشور از یک سو به کاهش هرچه بیشتر مداخله دولت در فعالیتهای اقتصادی و از سوی دیگر به توسعه بازارهای سرمایه و هدایت مجدد منابع به سوی سرمایه گذاری های جدید توجه داشت. در این میان اتحادیه اروپا با

-
1. European Free Trade Association (EFTA)
 2. Privatization
 3. Free-market Economy

برخورداری از اقتصادی قدرتمند و پویا در تداوم بخشی به برنامه اصلاحات اقتصادی آنکارا، نقش مهمی داشته است؛ زیرا یکی از انگیزه‌های اصلی دولت‌های مختلف جامعه ترکیه در پیشبرد روند خصوصی‌سازی، تحقق معیارهای اقتصادی کپنهاگ^(۱) در راستای تسهیل عضویت ترکیه در این اتحادیه بود. بنابراین می‌توان گفت که «اصلاحات اقتصادی دهه ۱۹۸۰ در کنار تاسیس اتحادیه گمرکی با اروپا به‌عنوان دو عامل کلیدی در روند گذر ترکیه از اقتصاد آشفته دولتی به اقتصاد بازار محسوب می‌شوند»^{۱۶} ترکیه که از آغاز اصلاحات اقتصادی در دهه ۱۹۸۰ تا تاسیس اتحادیه گمرکی با اروپا پیشرفت‌های اندکی در عرصه خصوصی‌سازی کسب کرده بود، با اجرای قانون خصوصی‌سازی در سال ۱۹۹۴، موفقیت‌های چشمگیری در این عرصه به‌دست آورد؛ به‌طوری‌که در سال ۲۰۰۰ برای نخستین‌بار در تاریخ خصوصی‌سازی کشور، نزدیک به ۲/۵ میلیارد دلار درآمد از بابت خصوصی‌سازی کسب کرد که این حاصل از میان برداشتن برخی موانع دولتی در قبال فعالیت بخش خصوصی و در نتیجه آزاد شدن بخشی از قدرت ابتکار، خلاقیت و کارآفرینی صاحبان سرمایه به تاثیر از قوانین اتحادیه گمرکی اروپا بود. البته در روند خصوصی‌سازی اقتصاد ترکیه نباید دستاوردهای چشمگیر حزب عدالت و توسعه را نادیده گرفت؛ زیرا به حداقل رساندن تصدی‌گری دولت و تسریع روند خصوصی‌سازی در هیچ دوره‌ای از تاریخ این کشور به‌اندازه دولت اردوغان عملی نشده بود. از سوی دیگر، ترکیه به منظور افزایش حجم سرمایه در گردش و پیشبرد مطلوب روند خصوصی‌سازی در اقتصاد خود، پای شرکت‌های خارجی بزرگی را برای سرمایه‌گذاری در این کشور باز کرده است. به‌طوری‌که در سال ۲۰۰۲، نخستین سال حکومت حزب عدالت و توسعه، از ۵۰۰ گول چندملیتی جهان، ۱۰۵ مورد آن در ترکیه سرمایه‌گذاری کرده بودند.^{۱۷} اعلام سال ۲۰۰۵ از سوی دولت اردوغان به‌عنوان سال خصوصی‌سازی، گویای عزم راسخ ترکیه در پیشبرد برنامه‌های کلان در این حوزه تلقی می‌شود که همواره با توجه به فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور، مشارکت سرمایه‌گذاران بین‌المللی را در برنامه عظیم خصوصی‌سازی خود مورد تشویق قرار داده است. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ با سرعت بخشیدن به

1. Copenhagen Economic Criteria

روند خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد، نرخ رشد سالانه اقتصاد ترکیه به ۷/۴ درصد یعنی بیش از ۲/۳ درصد نسبت به پنج سال گذشته بالغ شد و در همین مدت تولید ناخالص داخلی آن از ۲۳۰ میلیارد دلار به ۶۶۰ میلیارد دلار افزایش یافت.^{۱۸} بنابراین، می‌توان گفت که با توجه به رابطه نزدیک خصوصی‌سازی با جذب سرمایه‌گذاری خارجی در معادلات اقتصاد بازار، یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش نرخ رشد اقتصادی ترکیه در سال‌های اخیر، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در بخش خصوصی بوده است. ترکیه در سال ۲۰۰۳ به‌منظور جذب بیشترین سرمایه خارجی، قانون ۴۸۷۵ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تصویب کرد که منجر به افزایش میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور شد. از سوی دیگر، از زمان وعده اتحادیه اروپا در مورد آغاز مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا در ۱۷ دسامبر ۲۰۰۴، نرخ جذب سرمایه خارجی در این کشور سیر صعودی به خود گرفته و باعث گشایش اقتصادی قابل توجهی در جامعه اقتصادی آن شده است، به‌طوری که این کشور با آغاز گفت‌وگوهای الحاق در سال ۲۰۰۵، در هشت ماه اول سال ۲۰۰۵، ۲/۹ میلیارد دلار سرمایه خارجی مستقیم و ۳/۳ میلیارد دلار سرمایه خارجی به‌طور غیرمستقیم جذب کرد که در مقایسه با رقم ۱۳/۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم دهه گذشته، رقم قابل توجهی را نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین آثار سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ترکیه، افزایش میزان تولیدات صنعتی در بخش صادرات این کشور از سال ۱۹۹۵ به بعد می‌باشد، به‌طوری که در این دوره صادرات پوشاک و نساجی این کشور به کشورهای اتحادیه اروپا ۱۰۶ درصد افزایش یافت. بنابراین سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان عامل کلیدی در تحرک اقتصادی این کشور و رشد بازارهای داخلی آن محسوب می‌شود. با تغییرات کلان در سیاست اقتصادی ترکیه و اتخاذ راهبرد توسعه صادرات، کل سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به‌طور چشمگیری از ۹۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۸/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ افزایش یافت.^{۱۹} با تداوم روند رو به رشد اقتصاد ترکیه و بهره‌مندی آن از برنامه اصلاحات اقتصادی اروپا، از سال‌های بعد از تأسیس اتحادیه گمرکی با اروپا، میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به‌ویژه از سوی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به نحو چشمگیری افزایش یافته است؛ زیرا اتحادیه گمرکی اروپا و روند رو به رشد هم‌گرایی

ترکیه و اتحادیه اروپا باعث تشویق سرمایه‌گذاران کشورهای ثالث برای سرمایه‌گذاری در ترکیه شده است. در این میان نرخ رشد سرمایه‌گذاری کشورهای اتحادیه اروپا در ترکیه در نمودار شماره ۱ و به صورت تطبیقی با کرواسی مورد بررسی قرار گرفته است. این نمودار نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ترکیه در مقایسه با کرواسی دیگر کاندیدای عضویت در اتحادیه اروپا، در سال‌های پس از تاسیس اتحادیه گمرکی به خصوص از سال ۱۹۹۹ به بعد، افزایش چشمگیری داشته و در فاصله زمانی ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶، سرمایه‌گذاری مستقیم از سوی این اتحادیه در ترکیه در حدود ۲۲۳ درصد افزایش یافته است. به هر حال افزایش میزان سرمایه‌گذاری خارجی با توجه به اشتغال‌زایی و کنترل نرخ تورم در روند کارآیی اقتصاد و رشد بازار ترکیه نقش محوری داشته است. بر این اساس ترکیه با بهره‌مندی از نیروی کار ارزان و برخورداری از موقعیت جغرافیایی مناسب و دسترسی به بازارهای خاورمیانه، منطقه دریای سیاه و آسیای مرکزی و قفقاز، در کنار منابع عظیم انرژی و مواد اولیه، همواره تلاش کرده تا به منظور بهبود اوضاع اقتصادی خود، سرمایه خارجی بیشتری جذب کند.^{۲۰} از سوی دیگر به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از تاسیس اتحادیه گمرکی با اروپا، در خصوص آثار مثبت سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه، یک نوع اجماع و اتفاق نظری در میان احزاب سیاسی، سرمایه‌گذاران داخلی، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های ملی و به‌طور کلی عموم مردم این کشور صورت گرفته که نسبت به دو دهه گذشته تازگی داشته و در کنار دیگر عوامل ذکر شده، در روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی حائز اهمیت می‌باشد.

۴. آثار اتحادیه گمرکی اروپا بر ساختار صنعت و تجارت خارجی ترکیه

اقتصاد ترکیه با آغاز دهه ۱۹۸۰ و به دنبال اجرای اصلاحات کلان اقتصادی، دوره‌ای از رشد بالا را تجربه نموده که در کنار افزایش حجم تجارت خارجی به تغییرات قابل توجهی در ساختار تجارت خارجی آن منجر گردید. روابط تجاری ترکیه با جامعه اروپا از سال ۱۹۸۰ به بعد سیر صعودی به خود گرفته و با تشدید هم‌گرایی اقتصادی حجم مبادلات تجاری طرفین از ۳/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۱/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۹ افزایش یافت. در راهبرد

صنعتی جدید ترکیه نه تنها تولید بیشتر، بلکه سیاست‌های فناورانه، سرمایه‌گذاری بر روی کالاهای اساسی، تجارت آزاد، رقابت، زندگی و رفاه کارگران و تغییرات اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته است.^{۲۱} در این میان اتحادیه گمرکی با اروپا، نقش مهمی در شکل‌دهی به ساختار تجارت خارجی ترکیه داشته؛ زیرا با گسترش قراردادهای مربوط به توسعه تجارت و ایجاد رقابت در صنایع ترک، این کشور را هرچه بیشتر وارد بازار واحد اروپا کرده است. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین نتایج اتحادیه گمرکی اروپا بر ساختار اقتصاد ترکیه، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش تولیدات صنعتی به لحاظ کیفی و کمی برای صادرات می‌باشد، به‌طوری که سهم صادرات تکنولوژیک این کشور از ۵ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۴ درصد در سال ۱۹۹۰ و ۴۳ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. بنابراین، می‌توان گفت که اتحادیه گمرکی اروپا به واسطه واردات فناوری جدید از اتحادیه اروپا باعث بهره‌وری بیشتر در بخش‌های صنعتی ترکیه شده است. آثار دیگر اتحادیه گمرکی اروپا بر اقتصاد ترکیه، تغییر در ساخت واردات صنعتی از اتحادیه اروپا و نقش آن در افزایش میزان رشد و کارایی ساخت صنعتی آنکاراست؛ چرا که با ورود این کشور به اتحادیه گمرکی اروپا، تغییر در ساخت صنعتی واردات از کشورهای اتحادیه اروپا بر کارایی ساخت صنعتی و نیز کارایی نیروی کار آن تاثیر بسزایی داشت.

اتحادیه گمرکی اروپا ساختار صادرات ترکیه را به سمت صنعتی شدن سوق داده است، تا جایی که از اواخر دهه ۱۹۹۰ حجم صادرات صنعتی آن با افزایش قابل توجهی از ۷۶/۷ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۸۴/۶ درصد در سال ۲۰۰۰ رسید. بنابراین، افزایش سه رگمی در صادرات ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل و زیربخش‌های آن یکی از موفقیت‌های مهم اتحادیه گمرکی برای ترکیه است.^{۲۲} بررسی ارقام تجاری بعد از تکمیل اتحادیه گمرکی، نشان می‌دهد که از سال ۱۹۶۹ واردات ترکیه از اتحادیه اروپا نسبت به سال ۱۹۹۵ با ۳۴/۷ درصد افزایش به ۲۲/۷ میلیارد دلار رسیده است، در حالی که صادرات آن با ۱۱/۷۷۴ میلیارد دلار تنها ۳/۶ درصد افزایش داشت. از سوی دیگر، ارقام تجاری بعد از ورود ترکیه به اتحادیه گمرکی در سال ۱۹۹۶، نشان می‌دهد که واردات آن از اتحادیه اروپا بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱، ۷/۱ درصد افزایش داشته یعنی از ۱۶/۸۶۰ به ۱۸/۰۵۹ میلیارد دلار رسیده و میزان صادرات از ۱۱/۰۷۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵

به ۱۶/۰۷۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ افزایش یافت. از سوی دیگر در بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ میزان واردات ترکیه از اتحادیه اروپا ۵۸ درصد و از کشورهای غیر اروپایی ۲۳/۸ درصد افزایش داشت. در این میان اتحادیه اروپا به دلایل زیر بازار مناسبی برای صادرات تولیدات ترکیه محسوب می‌گردد:

۱. از سال ۱۹۷۱ اغلب کالاهای صنعتی ترکیه در صادرات به اتحادیه اروپا، با نرخ تعرفه خاص صورت می‌گرفت؛

۲. کشورهای اتحادیه اروپا به لحاظ جغرافیایی نزدیک‌ترین بازار بزرگ برای تولیدات ترکیه محسوب شده که این از نظر حمل و نقل امتیاز بزرگی برای صادرات ترکیه می‌باشد؛

۳. مهاجران ترکیه در کشورهای عضو اتحادیه اروپا که به بیش از ۵ میلیون نفر می‌رسند، از خریداران عمده کالاهای صادراتی این کشور به اروپا هستند.^{۲۳}

در حالی که حجم تجارت خارجی ترکیه با اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۶ در حدود ۳۵ میلیارد دلار بود، پس از ورود آن به اتحادیه گمرکی اروپا، این رقم با رشد بالایی در سال ۲۰۰۵ به حدود ۷۰ میلیارد دلار افزایش یافت (جدول شماره ۱). با اینکه حجم تجارت خارجی دو طرف در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۶ به خاطر بحران اقتصاد جهانی افزایش قابل توجهی نداشت، اما بعد از سال ۲۰۰۱ بار دیگر حجم تجارت دوجانبه به سرعت گسترش یافت، به طوری که در سال ۲۰۰۴ به بیش از ۷۵ میلیارد دلار بالغ گردید. از سوی دیگر نرخ رشد صادرات ترکیه به اتحادیه اروپا که در دوره پیش از تأسیس اتحادیه گمرکی با اروپا ۷/۵ درصد بود، در سال ۱۹۹۶ به ۹/۳ درصد و سهم صادراتش از مجموع کل صادرات این کشور از ۵۱/۲ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۵۴ درصد در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت.^{۲۴} اتحادیه گمرکی اروپا ضمن رشد حجم تجارت خارجی ترکیه، ساختار آن را نیز متحول نمود؛ در پنج سال اول تأسیس اتحادیه گمرکی، صادرات ماشین‌آلات، تجهیزات حمل و نقل و منسوجات آن به اتحادیه اروپا به ترتیب ۱۳۶/۷ و ۴۵/۵ درصد افزایش یافت.^{۲۵}

در بخش صنعت، نساجی از مهم‌ترین صنایع این کشور محسوب می‌شود و به طور کامل در اختیار بخش خصوصی بوده و بیشترین سهم صادراتی را به خود اختصاص داده است. صنایع پوشاک و نساجی ترکیه که از توان بالای رقابتی در بازارهای جهانی برخوردارند، موتور اقتصاد این کشور را

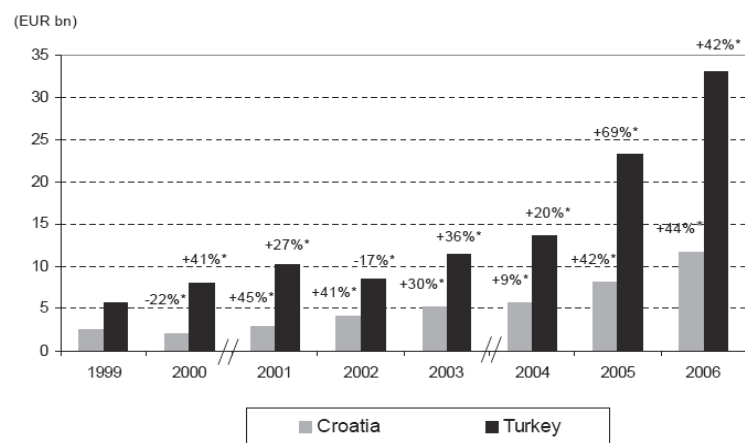
تشکیل می‌دهند.^{۲۶} این صنایع در سال ۲۰۰۵ با ۱۹ درصد بیشترین حجم صادرات صنعتی ترکیه را تشکیل می‌دادند که ارزش آن بیش از ۱۳/۹۸ میلیارد دلار برآورد می‌شد. ترکیه در سال‌های اخیر و عمدتاً به تأثیر از اتحادیه گمرکی اروپا، در دیگر صنایع مادر از جمله صنایع الکترونیک و خودرو نیز به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته است. بنابراین، می‌توان گفت که ورود ترکیه به اتحادیه گمرکی اروپا زمینه‌ساز تغییرات عمده‌ای در ساختار تجارت خارجی و صنعت این کشور شده، تا جایی که صادرات آن به اتحادیه اروپا از ۱۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ به بیش از ۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ بالغ گردیده است. به عبارت دیگر، صادرات این کشور به اتحادیه اروپا از ۵۶ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۸۹ درصد در سال ۲۰۰۱ افزایش یافت و جایگاه رشد صنعت در صادرات آن که در سال ۱۸۹۰، ۵ درصد بود در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۵ به ترتیب ۱۴ و ۴۳ درصد بود. به هر حال میزان کل صادرات و واردات ترکیه در سال ۲۰۰۸ به ترتیب ۱۴۱/۸ و ۲۰۴/۸ میلیارد دلار بوده که در این میان آلمان در حوزه صادرات با ۱۱/۲ درصد و واردات ۱۰/۳ درصد از بزرگ‌ترین شرکای تجاری این کشور می‌باشد.

نتیجه‌گیری

سیاست اصلاحات اقتصادی تورگوت اوزال به‌ویژه اتخاذ راهبرد جایگزینی واردات در ژانویه ۱۹۸۰ که بر آزادسازی اقتصاد تأکید داشت، با توسعه بخش خصوصی و کاهش نقش دولت در عرصه اقتصاد عامل اصلی رشد اقتصاد ترکیه محسوب می‌شود. پیمان اتحاد گمرکی با اروپا در تاریخ ترکیه، مرحله مهمی در روند هم‌گرایی با اتحادیه اروپا و رشد بالای اقتصادی آن محسوب می‌شود به طوری که این کشور با الحاق به اتحادیه گمرکی و جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، ورود فناوری جدید و تکمیل اصلاحات اقتصادی کشور، به ثبات و قدرت بیشتری در عرصه اقتصاد دست یافت. اتحادیه گمرکی با اروپا از طریق افزایش تولیدات صنعتی در ساختار صادرات ترکیه و رشد کلی صادرات آن، باعث کاهش نرخ تورم و رشد درآمد سرانه در جامعه ترکیه گردید و با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲، اقتصاد ترکیه به سرعت با اقتصاد جهانی ادغام شده و در عرصه اقتصاد بین‌الملل به عنوان یک اقتصاد در حال ظهور

مطرح گردید. پرواضح است که الحاق ترکیه به اتحادیه گمرکی با اروپا تحول عمده‌ای در عرصه اقتصاد این کشور محسوب می‌شود. مهم‌ترین آثار عضویت ترکیه در اتحادیه گمرکی اروپا، افزایش خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، رشد صنعت و تجارت خارجی و در نهایت تسریع روند هم‌گرایی با اقتصاد جهانی می‌باشد. البته انباشت سرمایه در بخش اقتصاد ترکیه در حد قابل توجهی متکی به جریان سرمایه‌های کوتاه‌مدت وارده به این کشور و نیز استقراض خارجی است و خروج سرمایه در نتیجه بروز یک بحران مالی برای اقتصاد این کشور می‌تواند خطرناک باشد.

نمودار ۱. سرمایه‌گذاری مستقیم اتحادیه اروپا در ترکیه و کرواسی با نرخ رشد سالانه آن



ماخذ: EUROSTAT

جدول ۱. تجارت خارجی ترکیه با اتحادیه اروپا بعد از تأسیس اتحادیه

Years	Export		Import		Volume of Trade
	Value	Change, %	Value	Change, %	
۱۹۹۶	۱۱,۵۵۶,۲۹	-	۲۳,۱۳۸,۲۹۶	-	۳۶,۶۹۴,۳۲۵
۱۹۹۷	۱۲,۲۳۸,۳۵۵	۶.۰	۲۶,۸۶۹,۷۶۲	۷.۵	۳۶,۹۹۸,۱۴۷
۱۹۹۸	۱۳,۵۰۳,۹۳۸	۱۰.۳	۲۶,۰۷۶,۷۳۶	-۳.۲	۳۷,۵۷۸,۶۷۴
۱۹۹۹	۱۴,۳۵۱,۷۲۸	۶.۳	۲۱,۴۰۰,۷۸۳	-۱۱.۱	۳۵,۷۵۲,۵۱۱
۲۰۰۰	۱۴,۵۱۰,۳۸۴	۱.۱	۲۶,۶۱۰,۳۰۷	۲۴.۳	۴۱,۱۲۰,۶۹۱
۲۰۰۱	۱۶,۱۱۸,۲۳۲	۱۱.۱	۱۸,۸۲۰,۴۱۰	-۲۹.۳	۳۴,۹۳۸,۶۴۲
۲۰۰۲	۱۸,۴۵۸,۵۳۳	۱۴.۵	۲۳,۳۲۱,۰۳۵	۲۳.۹	۴۱,۷۷۹,۵۶۸
۲۰۰۳	۲۴,۳۸۴,۱۳۷	۳۲.۶	۳۱,۶۹۵,۹۳۶	۳۵.۹	۵۶,۱۸۰,۰۷۳
۲۰۰۴	۳۲,۵۷۳,۸۴۶	۳۳.۰	۴۲,۳۵۹,۴۲۰	۳۳.۶	۷۴,۹۳۳,۲۶۶
۲۰۰۵	۲۸,۹۶۱,۵۸۰	-	۳۷,۰۴۱,۴۷۳	-	۶۶,۰۰۳,۰۵۳

ماخذ: TURKSTAT

پاورقی‌ها:

1. Sevket Pamuk, "Economic Change in Twentieth Century Turkey: Is the Glass More than Half?" 2007, p. 26, at: <http://www.aup.edu/pdf/WPSeris/AUP-WP41-Pamuk.pdf>.
2. Eser Tutar, *Inflation Targeting in Developing Countries and Its Applicability to the Turkish Economy*, Virginia: Blacksburg, 2002, p. 28.
3. J. Harrop, "Turkey's Accession to the EU: Economic Criteria Still out of Reach," *Economic Bulletin*, vol.40, no.7, 2004, p. 2.
4. Ibid.
5. Atlan Aplay, "An Overview of Turkey-EC Relations since September 1980," *Middle East Business and Banking*, no. 4, 1989, p. 4.
6. Eser Tutar, op.cit., p. 29.
۷. محمد هادی فلاح زاده، *آشنایی با کشورهای اسلامی (ترکیه)*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴، ص ۳۵.
8. J. Harrop, op.cit, p. 3.
9. Eric Yeldan, "Neoliberal Global Remedies: From Speculative-Led Crisis in Turkey," London: Sage 38, 2006, p. 208.
10. Aliye Pekin Celik & Leylac Naqvi, "Turkey Current and Future Political, Economic and Security Trends," 2007, p. 4, at: <http://www.cdfai.org>
11. Mustafa Acar, "Towards a Synthesis of Islam and the Market the Economy? Justice and Development Parties Economic Reforms in Turkey," *Journal of Economic Affairs*, Oxford: Blackwell, 2009, p. 18.
12. Surhan Cam, "Neo- Liberalism and Labour within the Context of an 'Emerging Market' Economy Turkey," London: Sage, 2002, p. 22.
13. Fatma Nur Karaman & Ozkale N. Lerzan, "Static Effects of the EU-Turkey CustomsUnion," 2006, p. 4, at: <http://www.etsg/ETSG2006/Papers/KARMAN.pdf>
14. Savas Malkoc, "The Effects of Customs Union on Turkish Foreign Trade and Industry," 2002, p. 10. Available at: <http://www.dtm.gov.tr/dtmadmin/upload/.../Savas-Malkoc.doc>
15. Mihai Macovei, "Growth and Economic Crisis in Turkey: Leaving Behind a Turbulent Past?" *Economic and Financial Affairs*, Brussels: European Commission,

2009, p. 17.

16. Ibid.

17. Tamer Cavusgil & Emin Civi, "New Investments in Turkey," *International Business Review*, vol. 45, no. 4, 2003, p. 471.

18. TURKSTAT, Turkey's Statistical Yearbook 2007, Publication no. 3143, Ankara: Turkish Statistical Institute, 2008, p.16.

19. Recai Coskun, "Determinants of Direct Foreign Investment in Turkey," *European Business Review*, vol. 13, no. 4, 2001, p. 221.

20. Ibid.

۲۱. جواد انصاری، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۷.

22. Savas Malkoc, op.cit., p. 13.

23. Ibid., p. 12.

24. Bernard Hoekman & Subidy Togan, Turkey Economic Reforms& Accession to the European Union, Washington DC: World Bank, 2005, p. 94.

25. Savas Malkoc, op.cit., p. 1.

26. Turan Atilgan & Seher Kanat, "The Effects of the EU Customs Union with Turkey on the Turkish Textile and Clothing Sector," *Fibres & Textile Eastern Europe*, vol. 14, no. 4, 2006, p. 11.